



جایگاه امامت از دیدگاه امام رضا علیه السلام

احمد ترابی

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه تاریخ

این شکوه و جلال که در بارگاه امامان می‌بینی!

این دل‌های مشتاق که شیفته زیارت اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله می‌یابی!

این چشمان خسته و رمد دیده که با نگاه به ضریح علی بن موسی الرضا علیه السلام بی‌اختیار به

شکوه

شماره ۸۰ پاییز ۱۳۸۲

بارش می‌نشیند و نشاط و معنویت می‌آفریند. این پاهای خسته که مسافتهای طولانی راه پیموده و چون به حریم حرم رضوی می‌رسد، خستگی از یاد می‌برد و ساعتها با احترام و ادب در برابر امام می‌ایستد و شاهد گفتگوهای بی‌ریا و خالصانه زائران، با مهربانِ غریب نواز می‌شود. هیچ‌کدام بی‌دلیل نیست!

شاید برای آنان که امام را نمی‌شناسند، و حکمت زیارت را در نمی‌یابند. آنان که راز ارتباط دلها با امام رأفت و رحمت را کشف نکرده‌اند، این همه ابراز احترام و محبت شگفت‌انگیز به نظر آید! حتی ممکن است برای برخی از آشنایان و زائران که خود به زیارت آمده و همراه با انبوه مشتاقان، در جذبۀ ولایت و محبت رضوی قرار گرفته‌اند، سر این شیفتگی آشکار نباشد! ولی این واقعیتی است آشکار و غیر قابل انکار.

عترت، سر آمد امت

آنچه بدیهی می‌نماید، این است که در مجموعه امت اسلامی، همه اهل ایمان در پایداری بر ایمان و پاسداری از شایستگیها و مقابله با کجیها، همسان نیستند، بلکه برخی از آنان بر گروهی دیگر در این میدان سبقت جسته و برتری و کمال و فضیلت را از آن خود ساخته‌اند. از آیات قرآن و منابع روایی معتبر استفاده می‌شود: همان‌گونه که امت اسلامی بر سایر امتها

برتری یافته و عهده‌دار دفاع از بایسته‌ها و مبارزه با زشتیها شده است، در میان امت اسلامی، عترت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بالاترین امتیاز را در این زمینه دارا هستند و بر سایر افراد و مجموعه‌های اسلامی برتری یافته‌اند.

شگفت نیست اگر کسانی نخواستند این امتیاز را برای عترت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قایل شوند، چرا که پیش از آنان و پس از آنان کسانی مدعی بوده‌اند که پیامبر اسلام و قرآن بر دیگر انبیا و کتابهای آسمانی برتری نداشته، بلکه معتقد شده‌اند که از صدق و راستی برخوردار نبوده‌اند! غافل از اینکه انکار آفتاب، انکار خود است و محروم گذاشتن خویش از نور و رحمت به شمار می‌آید.

اکنون شایسته است، در تبیین مقام عترت و جایگاه امامت از سخنان عالم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضرت رضا عَلَيْهِ السَّلَام بهره‌گیریم، آنجا که در جمع بزرگی از عالمان عراق و خراسان آیه **﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾**^۱ مطرح گردید و این پرسش به میان آمد که وارثان کتاب الهی و برگزیدگان از میان بندگان خدا چه کسانی هستند؟ عالمان عراق و خراسان که در مجلس مأمون گردآمده و از مکتب اهل بیت بهره‌ای نبرده بودند، اظهار داشتند که همه امت اسلامی برگزیدگان خداوند و وارثان کتاب الهی هستند. اما امام علی بن موسی عَلَيْهِ السَّلَام که در آن جلسه محور آرا و

مرجع نقد و تحلیل انظار شناخته می‌شد، فرمود: من این نظر را که عالمان عراقی و خراسانی اظهار داشتند، صحیح نمی‌دانم، زیرا منظور آیه از وارثان کتاب و برگزیدگان، فقط عترت طاهره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و نه همه امت.

امام عَلَيْهِ السَّلَام در ارائه دلیل برای این وجه تفسیر، از خود قرآن بهره‌جست و فرمود: در آیه بعد خداوند فرموده است:

﴿جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا...﴾^۲

یعنی وارثان کتاب و برگزیدگان الهی همه اهل بهشت بوده و از نعمتهای بهشتی برخوردار خواهند بود، این در حالی است که خداوند در آیه قبل - آیه ۳۲ - امت اسلامی را به سه گروه ۱ - ظالم به خود ۲ - میانه‌رو ۳ - پیشتاز نیکبها معرفی کرده است و شک نیست که این سه گروه با یکدیگر برابر نبوده همه بی‌چون و چرا اهل بهشت نخواهند بود، بلکه پیشتازان راه خیر و رستگاران و برخورداران از فضل گسترده الهی از این امتیاز برخوردارند.

در ادامه این حدیث امام عَلَيْهِ السَّلَام به ارائه دلایلی از قرآن پرداخت که هر کدام از آنها عترت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را سرآمد امت اسلامی و پاکیزه‌ترین و شایسته‌ترین امت برای تداوم بخشیدن به راه نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و وراثت کتاب الهی و تبیین و

۱ - فاطر / ۳۲.

۲ - فاطر / ۳۳.

تفسیر آن برای رهپویان ایمان و اسلام معرفی کرده است.^۱

هم محبت، هم معرفت

شیفتگان و ارادتمندانی که به زیارت علی بن موسی علیه السلام می آیند به دو گروه تقسیم می شوند:

۱- زائرانی که در قلب خویش، نسبت به ساحت امام، احساس محبت و دوستی و احترام دارند، ولی نمی توانند دلیل این محبت و ارادت را توضیح دهند.

۲- زائرانی که همراه با این شیفتگی و محبت، دارای معرفتی شایسته نسبت به مقام امام و جایگاه امامت هستند و می توانند دلیل آن را بیان کنند و اگر از آنان سؤال شود که دلیل توجه و روی آوری مردم به بارگاه امامان چیست و اساساً زیارت امام چه نسبتی با باورهای دینی و اسلامی دارد، به راحتی و روشنی می توانند آن را شرح دهند.

کسانی که در گروه نخست جای دارند، شیفتگانی با احساسند، ولی کسانی که در گروه دوم قرار دارند، شیفتگانی با احساس و نیز با معرفت؛ می باشند. و شیعه واقعی کسی است که نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت هم محبت داشته باشد و هم معرفت. زیرا آن گاه که محبت و معرفت در کنار هم قرار گیرند و به یکدیگر یاری

رسانند، زائر امام، زائری واقعی می شود و زیارت مقدمه ای برای معرفت بیشتر و مایه استحکام ارتباطهای درونی و معنوی است.

کدام زائر، ارجمندتر است؟

محبت به پاکان و نیکان، چه همراه با معرفت و چه بدون آن، به هر صورت نیک است، ولی آنچه بدان ارزش می بخشد، و دوستداران را شایسته برخورداری از الطاف محبوب می سازد، این است که محبت همراه با معرفت و شناخت باشد. در زیارت جامعه می خوانیم:

«اللّٰهُمَّ... اسئلك ان تُدخِلني في جُملة العارفين بهم وبحقهم».

خداوندا! از تو می خواهم که مرادر شمار عارفان به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و آشنایان به حق آنان قرار دهی.

در بخش دیگری از این زیارت که شیخ صدوق رحمته الله از امام هادی علیه السلام نقل کرده است، امام علیه السلام معارفی را تحت عنوان زیارت، بیان فرموده است که یک زائر باید بدانها توجه داشته و آگاه باشد:

«أشهدُ اللهَ وأشهدُكم انني مؤمنٌ بكم وبما أمّنتم به».

خدای را به گواهی می طلبم و نیز شما -

۱- رک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۸.

خاندان رسالت - را شاهد می‌گیرم که من به شما و نیز به باورهای مورد قبول شما ایمان دارم.

«كَافِرٌ بَعْدُكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ»

دشمنان شما را انکار من‌کنم و آنچه شما قبول ندارید، من نیز قبول ندارم.

«مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةٍ مِّنْ خَالْفِكُمْ»

نسبت به شأن و منزلت شما بصیرت دارم و می‌دانم که مخالفان شما در گمراهی به سر می‌برند.

«مُؤَالٍ لَّكُمْ وَلَاؤُ لِيَانِكُمْ مُبْعَضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ».

شما و دوستانتان را دوست دارم و به دشمنان شما کینه می‌ورزم و آنان را دشمن می‌دارم.

«سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَكُمْ وَحَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكَكُمْ».

هر کس با شما سازش داشته باشد، من با او مسالمت دارم و هر کس با شما از در جنگ و ستیز درآید، با او ستیز خواهم داشت.

«مُحَقِّقٌ لِّمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطَلٌ لِّمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَّكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ».

آنچه را شما حق بدانید من نیز حق می‌دانم و آنچه را شما باطل شمارید، من نیز باطل شمارم، رهنمودهایتان را اطاعت می‌کنم و به حق شما عارف و آگاهم.

این عبارتها گرچه به صورت دعا و زیارت بیان شده است، اما هر جمله آن، در بردارنده

معارفی است که در بسیاری از روایات و آیات قرآن مورد اشاره یا تصریح قرار گرفته است.

اقرار به این فضایل، برای شیعیان و اهل ولایت آسان است، اما کسانی که با اهل بیت و مکتب آنان آشنایی ندارند، چه بسا گرفتار ابهام و حیرت شوند و از خود بپرسند که: به راستی اهل بیت علیهم‌السلام چه کسانی هستند و چه جایگاهی دارند که باید به آنان ایمان داشت، مطیع و دوستدار آنان بود و از راه و روش دشمنان و مخالفان ایشان دوری گزید؟

حتی گاه دیده شده است که برخی از ناآشنایان با مکتب اهل بیت، به شیعه اعتراض کرده‌اند که چرا شما این همه احترام و مقام را برای امامان خود قایل هستید! مگر آنها با سایر علما و مسلمانان چه فرقی دارند، چرا برای آنان بارگاه می‌سازید و چرا از راههای دور و نزدیک به زیارت ایشان می‌شتابید!

زائران حضرت رضا علیه‌السلام در پاسخگویی به این پرسشها و اعتراضها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف - برخی از پاسخ گفتن باز می‌مانند و نمی‌دانند به این سؤاها و اعتراضها چگونه باید پاسخ داد.

ب - گروهی هم با بصیرت و آگاهی و معرفتی که نسبت به ساحت پاک امامان دارند، با گشاده رویی و شکیبایی و با دلایل قانع کننده، به

این پرسشها پاسخ می‌دهند.

بنورها للعالم»

امام چونان خورشید نورافشانی است که با نور خود روشنگر جهان است.

«وهی فی الافق بحیث لا تنالها الایدی والأبصار»

در جایگاهی قرار دارد که دستها و چشمها بدان نایل نمی‌شود.

«الامام الماء العذب علی الظمَاء»

امام، آب گوارایی است از پس تشنگی و عطش.

این تعبیر بلند در باره امام، عبارتهایی شاعرانه، ادبی و مبالغه‌آمیز نیست، بلکه بازگوکننده جایگاه و منزلت واقعی امام است، و به همین دلیل امام رضا علیه السلام پس از این تعبیر بلند، به این سؤال نهفته در ذهن مخاطبان پاسخ می‌دهد که: به‌راستی نورافشانی امام در چه زمینه‌ای است و امام برای کدام تشنگی، مانند آب گوارا است؟

«والدال علی الهدی والمنجی من الردی»

امام، رهنمای بشریت به سوی هدایت و نجات‌دهنده آنان از پستی و فرومایگی است.

«الامام الانیس الرفیق والوالد الشفیق والاخ

الشقیق»

امام برای انسانها، همدمی رفیق، و پدری مهربان و برادری همانند است.

«والامم البرة بالولد الصغیر، ومفزع العباد فی

آنچه از زائر شایسته حضرت رضا علیه السلام انتظار می‌رود، این است که بتواند در برابر منکران و مخالفان و ناآشنایان با مکتب اهل بیت علیهم السلام، سخن و دلیلی داشته باشد و با سکوت خود، منکران را جسور و گستاخ نسازد.

البته لازم به یادآوری است که هرگز انسان نمی‌تواند با خواندن یک یا چند کتاب مختصر، به مرتبه‌ای از دانش و معرفت برسد که هرگونه سؤال یا اشکالی را پاسخ دهد و به بحث و گفتگو با منکران پردازد. روش صحیح این است که ناآشنایان با مکتب اهل بیت علیهم السلام را به اهل نظر و عالمان شناخته شده دینی که عمری را صرف فهم و مطالعه مباحث دینی کرده‌اند راهنمایی کنیم و خود از بحث با آنان بپرهیزیم، زیرا بحث و مناظره نیاز به تخصص و اطلاعات کافی دارد. اما اینکه توصیه می‌شود، زائر باید اهل مطالعه و معرفت و فهم دینی باشد به خاطر این است که در برابر برخی سؤالها، گرفتار سردرگمی و حیرت نشود و دست‌کم برای خودش حجّت و دلیل داشته باشد.

امام کیست؟

پاسخ این سؤال را از کلام امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌آوریم:

«الامام كالشمس الطالعة المجللة

الداهية النَّادِ»

امام به امت خویش مهر می‌ورزد، همانند مادری که به فرزند خردسال خود مهربان و نیکوکار است، امام پناهگاه بندگان خدا در مصیبت‌ها و دشواریهای عظیم است.

«الامامُ امینُ اللهِ فی خَلْقِهِ وَ حُجَّتِهِ علی عبادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فی بِلادِهِ وَ الدَّاعِی الی اللهِ، وَ الدَّابَّ عَنْ حُرْمِ اللهِ.»

امام، امین الهی در میان خلق و حجّت خداوند بر بندگان او و خلیفه پروردگار در جامعه بشری است. امام مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند و از حریم ارزشهای الهی و ساحت قدس خداوندی، پاسداری می‌کند.

«الامامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذَّنُوبِ، وَ الْمُتَبَرِّأُ عَنِ الْعِیُوبِ.»

امام از هر گناه، پاکیزه و از هر عیب و کاستی به دور است.

«المَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ، الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ، نِظَامُ الدِّینِ.»

امام دارای علم ویژه و حلم و بردباری است و وجود او مایه استواری دین است.

«وَعَزَّ الْمُسْلِمِینَ، وَ غِیظَ الْمُنَافِقِینَ، وَ بَوَّارَ الْکَافِرِینَ.»

امام مایه عزت و سربلندی مسلمانان، و باعث ناخشنودی و نگرانی عمیق منافقان و عامل شکست و حقارت کافران است.

«الإمامُ واحِدٌ دَهْرِهِ، لا یُذَانِبُهُ أَحَدٌ وَ لا یُعَادِلُهُ عَالَمٌ، وَ لا یُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لا لَهُ مِثْلٌ وَ لا نَظِیرٌ.»^۱

امام، یگانه عصر خویش است، به طوری که هیچ کس در شرافت و فضیلت به پای او نرسد و در دانش به مرتبه او راه نیابد، همانندی برای او یافت نمی‌شود و مثل و نظیر ندارد.

«لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٌ: یَکُونُ أَعْلَمُ النَّاسِ وَ أَحْکَمُ النَّاسِ، وَ أَتَقَى النَّاسِ وَ احْلَمُ النَّاسِ، وَ اشْجَعُ النَّاسِ وَ اعْبُدُ النَّاسِ، وَ اسْخَى النَّاسِ.»^۲

امام دارای نشانه‌هایی است: امام آگاه‌ترین، استوارترین، با تقواترین و بردبارترین مردم و از همه شجاع‌تر و عابدتر و با سخاوت‌تر است.

نگاهی دوباره

آنچه آوردیم، گوشه‌ای از فضایل و ویژگیهای امام بود، در حالی که از کمالات امامان علیهم‌السلام، در روایات به شکل گسترده‌تری یاد شده است. در عین حال همین موارد که به صورت خلاصه یادآور شدیم، بسیار شگرف و عظیم است.

این ویژگیها را در سه زمینه می‌توان خلاصه

۱ - مسند الامام الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ۹۶ تا ۱۰۱ به نقل از کافی ج ۱، ص ۲۰۰ - ۲۰۱؛ کمال الدین و تمام النعمه صدوق، ج ۲، ص ۶۷۵ باب ۵۸؛ امالی، ص ۶۷۴، باب ۹۷؛ معانی الاخبار، ص ۹۶؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۶.

۲ - مسند الامام الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۱۰۱.

کرد: ۱ - منزلت امام نزد خدا؛ ۲ - ارتباط امام با مردم؛ ۳ - شخصیت معنوی و علمی امام.

منزلت امام نزد خدا

- امین الهی در میان خلق .
- حجّت و دلیل خداوند بر مردم.
- خلیفه الهی در جامعه بشری.
- دعوت کننده مردم به سوی خدا.
- پاسدار حریم ارزشهای الهی.

ارتباط امام با مردم

- راهنمای مردم به سوی هدایت.
- انیس مردم، چونان پدری دلسوز و مهربان.
- پناهگاه مردم در مشکلات و دشواریها.
- مایه عزت مسلمانان و باعث خشم منافقان و رسوایی کافران.

شخصیت معنوی و علمی امام

- برتری نسبت به همه مردم به لحاظ علم و فضیلت.
- برکناری از هر گناه و کاستی.
- برخوردار از علم ویژه و دانش مخصوص.
- برازنده ترین به لحاظ شکیبایی، تقوا، شجاعت و سخاوت.
- عابدترین انسانها به درگاه خداوند.

انتخاب امام به اختیار خدا یا مردم؟

با توجه به مشخصات و ویژگیهایی که برای امام برشمردیم، تعیین امام و شناسایی و انتخاب امام نمی تواند به انتخاب مردم باشد، زیرا انسانها نمی توانند تشخیص دهند که چه کسی دارای برترین مقام علمی و معنوی است و مبرا از هر گناه، چه آشکار و چه پنهان. مردم نمی توانند با اندیشه و تجربه های خود دریابند که چه کسی صلاحیت خلافت الهی را دارد. تنها خداوند است که از دل همه انسانها با خبر است و می داند که شایسته ترین انسانها برای بردوش کشیدن بار امانت و خلافت الهی کیست.

پاسخ به این سؤال را نیز از کلام امام علی بن موسی علیه السلام می آوریم، چه اینکه وقتی آن حضرت وارد مرو شدند، در میان مردم بحث از امامت مطرح گردید و اختلاف نظریه ها به وضوح پیدا بود.

شخصی به نام عبدالعزیز پیش امام آمد و از بحث و گفتگو و اختلاف نظر مردم درباره امامت خبر آورد! امام رضا علیه السلام لبخندی زد و فرمود: ای عبدالعزیز! این گروه گرفتار ناآگاهی هستند و با نظریه پردازیهای گوناگون، خود را گول زده اند! سپس امام درباره این نظریه که «امام را باید خود مردم انتخاب کنند» فرمود:

«هل يعرفون قدر الامامة ومحملها من الأمة فيجوز فيها اختيارهم».

آیا اینان اساساً اهمّیت و جایگاه امامت را در میان امت اسلامی می‌دانند و ویژگیهای امام و رسالتی که بر دوش اوست تشخیص می‌دهند تا بتوانند براساس آن معیارها، کسی را برای امامت انتخاب کنند!

«إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَأَعْلَى مَكَانًا وَأَمْنَعُ جَانِبًا وَأَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ»^۱.

امامت، ارزشی والاتر، شأنی بزرگ‌تر، جایگاهی برتر، موقعیتی فراتر و ژرفایی فزون‌تر از آن دارد که مردم بتوانند با ملاکهای عقلی خویش، آن را اندازه گیرند و به آن برسند.

امامان علیهم‌السلام به این مقام چگونه رسیده‌اند؟

وقتی سخن از جایگاه و منزلت امامان به میان می‌آید، به‌طور طبیعی این سؤال به ذهن می‌رسد که: به‌راستی امامان علیهم‌السلام این مرتبه عالی و این شایستگی و صلاحیت را چگونه و به چه دلیل یافته‌اند؟

قبل از پاسخ به این پرسش، یادآوری این نکته لازم است که این پرسش اختصاص به امامان ندارد، بلکه درباره همه انبیای بزرگ الهی مانند نوح علیه‌السلام، ابراهیم علیه‌السلام، موسی علیه‌السلام، عیسی علیه‌السلام و محمدبن عبدالله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز همین مطرح بوده است که چرا خداوند، مقام نبوت و

رسالت را به آنها داده و از میان خلق، آنان را برگزیده است؟

بنا بر این، پاسخ به این سؤال تنها متوجه شیعه نیست؛ بلکه همه مسلمانان که به رسالت و مقام نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اعتراف و ایمان دارند، حتی یهودیان و مسیحیان که به رسالت حضرت موسی علیه‌السلام و عیسی علیه‌السلام معتقدند باید به این سؤال پاسخ گویند.

و اما پاسخ این است که چون خداوند دارای علم بی‌پایان و گسترده است، هنگامی که انسانها را آفرید، از همان آغاز می‌دانست که مطیع‌ترین، عابدترین، و پرهیزگارترین بندگان چه کسانی هستند و براساس علم برتر خود، آنان را برای رسالت و امامت برگزید، تا دیگر بندگان خود را به سوی نور و پاکی هدایت کند.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا﴾^۲ یعنی؛ و قرار دادیم آنها را امامان و پیشوایانی که مردم را به امر ما هدایت کنند.

بنا بر این بی‌شک، دلیل انتخاب شدن انبیا و امامان از سوی خداوند، لیاقت و شایستگی آنان بوده است. چنان که در طول زندگی این شایستگی را به اثبات رسانده‌اند، ابراهیم علیه‌السلام گام در آتش می‌گذارد و برای اطاعت از امر الهی به انجام سخت‌ترین آزمایش خداوند تن می‌دهد

۱ - مسند الامام الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۹۷.

۲ - انبیاء / ۷۳.

راههای اثبات امامت امامان

جهان پر است از ندهای حق و باطل و ادعاهای الهی و شیطانی، زیرا همچنان که پیامبران الهی و امامان راستین، مردم را به سوی خود خوانده‌اند تا آنان را به سوی خدا هدایت کنند، هم‌زمان با ایشان و در عصر آنان نیز مدعیان دروغینی بوده‌اند که خود را پیشوا و راهنما معرفی کرده و مردم را به پیروی از خویش فراخوانده‌اند و مایه گمراهی آنان شده‌اند.

خداوند متعال از گروه اول به عنوان پیشوایانی که مردم را به امر الهی هدایت می‌کنند یاد کرده^۲ و از گروه دوم به عنوان پیشوایانی که مردم را به سوی آتش فرا می‌خوانند نام برده است.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ ائِمَّةً يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ﴾^۳

براین اساس، هر کس که در جامعه بشری ادعای امامت و پیشوایی را داشته باشد، نمی‌توان بدون دلایل و نشانه‌های لازم، ادعای او را پذیرفت و از او پیروی کرد، بلکه باید مدعی امامت و نبوت، دلایلی داشته باشد تا بتوانیم به او اعتماد کنیم.

دلایلی که انبیا برای مردم آورده‌اند به چهار بخش قابل تقسیم است:

۱- طه / ۲.

۲- انبیاء / ۷۳.

۳- قصص / ۴۱.

و تا مرحله ذبح فرزند عزیز خویش پیش می‌رود. موسی عَلَيْهِ السَّلَام با قدرت فرعونی درگیر می‌شود و برای هدایت بنی اسرائیل سخت‌ترین مرحله‌ها را می‌گذراند و دشوارترین رنجها را تحمل می‌کند.

عیسی عَلَيْهِ السَّلَام برای اجرای رسالت خود، چندان مقاومت می‌ورزد که تا پای دار پیش می‌رود.

پیامبر خاتم عَلَيْهِ السَّلَام در راه رسالتش بیش از همه انبیای الهی ستم می‌بیند و تا بدان پایه به هدایت مردم اهتمام می‌ورزد و برای آنان دل می‌سوزاند که خداوند در نص آیه کریمه قرآن به او دستور می‌دهد که تا این اندازه خود را در مشقت مینداز.^۱

علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام در طول زندگی خود اثبات می‌کند که جز به خدا و دین و خلق نمی‌اندیشد و زندگی و مرگ خود را در راه حق و برای حق قرار می‌دهد. تا آنجا که یک ضربت او در جنگ با خشن‌ترین چهره کفر و لجاج، برتر از عبادت همه جن و انس معرفی می‌شود.

خداوند که شایستگی و صلاحیت انبیا و امامان را از آغاز خلقت می‌داند، آنان را به عنوان معلمان و راهنمایان خلق بر می‌گزیند و به ایشان کرامت خاص و توفیق ویژه می‌بخشد و از آنان مسؤولیتهای بیشتری می‌خواهد.

۱- گواهی و تأیید آنان از سوی انبیای پیشین.
۲- ارائه مطالب صحیح و منطقی و معقول همراه با دلایل قانع کننده و هماهنگ با فطرت و نیاز آدمی و نیز هماهنگ و همساز با معارف انبیای گذشته.

۳- برخورداری آنان از اخلاقی ممتاز و رفتاری انسانی و متعالی.

۴- ارائه معجزات، به منظور اثبات نبوت خود و ارتباط ویژه‌ای که با خدای هستی دارند. هرگاه این چهار نشانه در کنار هم قرار گیرد، این اطمینان برای ما حاصل می‌شود که مدّعی نبوت، به‌راستی مورد تأیید خداوند است و ما را به سوی خداوند متعال هدایت می‌کند.

اکنون باید دید که آیا امامان هم برای اثبات امامت خود نیاز به این دلایل دارند؟

پاسخ این است که «امامت» به عنوان پیشوایی خاص الهی و دینی - با ویژگیهایی که در صفحات قبل یاد کردیم - مقامی والاست و امام معصوم واجد همه ویژگیهای پیامبر - بجز وحی قرآن - و دارای تمامی اختیارات و مسؤ ولت‌های رسول خدا و برخوردار از علم لَدُنَّی و در یک کلمه امام یعنی، خلیفه خدا و خلیفه رسول الله ﷺ. با توجه به این ویژگیهای امام و نیز با توجه به اینکه تنها خداوند با علم برتر خود، شایستگی انسانها را می‌داند و براساس شایستگی، مقام امامت را به آنان عطا می‌کند؛

ناگزیر امامان و جانشینان خاص انبیا نیز باید مانند خود انبیا ﷺ از دلایل و شواهدی برخوردار باشند تا ما بتوانیم به آنان اعتماد داشته باشیم و از ایشان پیروی کنیم.

امام علی بن موسی الرضا ﷺ در این باره فرموده است:

«لَمَّا كَانَ الْإِمَامُ مُفْتَرَضَ الطَّاعَةِ لَمْ يَكُنْ بَدْمِينِ دَلَالَةٍ تَدُلُّ عَلَيْهِ وَ يَتَمَيَّزُهُ بِهَا مِنْ غَيْرِهِ»^۱

یعنی؛ چون امام کسی است که اطاعت کردن از او واجب است، ناگزیر باید بر امامت او دلیلی اقامه شود تا در پرتو آن دلیل بتوان امام را از غیر امام تشخیص داد.

دلایلی از قرآن و حدیث

در کتاب بحارالانوار حدود هشتاد آیه از قرآن آمده است که به شکلی به مسأله امامت مربوط می‌شود.^۲ ولی به سبب آنکه آوردن همه آن آیات در این مختصر نمی‌گنجد به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

امام رضا ﷺ در یکی از مناظرات خود می‌فرماید:

۱- «هم الذين وصّهم الله في كتابه فقال:

۱- عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۱۰۲؛ مسند الامام

الرضا ﷺ، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲- التلطيق بين السفينة والبحار، دکتر سیدجواد مصطفوی، ص ۹۵.

﴿أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً﴾^۱

یعنی؛ اهل بیت همان کسانی هستند که خداوند ایشان را در قرآن توصیف کرده و درباره آنان فرموده است: «همانا خداوند اراده کرده است تا هرگونه گناه و آلودگی از شما اهل بیت به دور باشد و شما را به گونه ای خاص پاک و منزّه از گناه بدارد».

سپس آن حضرت در پاسخ به این سؤال که این آیه درباره چه کسانی است و منظور از اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند؟ فرمود:

«هم الذین قال رسول الله ﷺ: ائتي مُخَلَّفَ فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي اهل بيتي، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يردَا عَلَيَّ الحوض»^۱

اهل بیت در این آیه همان کسانی هستند که رسول خدا درباره آنان فرمود: «من پس از خود دو یادگار گرانبها میان شما می گذارم، کتاب الهی و عترتم که اهل بیت من هستند و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در روز قیامت نزد حوض کوثر بر من وارد شوند».

۲ - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرُّسُولَ وَاولى الامر منكم﴾^۲

یعنی: «ای اهل ایمان، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا را و نیز آنان که صاحب فرمان هستند».

در فهم این آیه اگر از معارف دین و روایات

استفاده نکنیم، چه بسا گرفتار بد فهمی شویم، زیرا منظور از «اولی الامر» کسانی نیستند که تحت عنوان «فرمانروا» و «سلطان» بر مردم فرمان می رانند، زیرا بسیاری از فرمانروایان - مانند فرعون - براساس هوای نفس و قدرت طلبی و فزون خواهی فرمان می رانند و خداوند آنان را طاغوت نامیده است و از مسلمانان خواسته است تا با طاغوتها سازگاری نداشته باشند.

بنا براین، منظور از «اولی الامر» - صاحب فرمان - باید کسان خاصی باشند که امام رضا علیه السلام آنان را معرفی کرده و فرموده است:

«يعني الَّذِينَ أَوْزَعْتَهُم الكتاب والحكمة وَحُسِدُوا عَلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ «ام يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله فقد آتينا آل ابراهيم الكتاب والحكمة وآتيناهم ملكاً عظيماً... والملك ههنا الطاعة لهم».

در این آیه «اولی الامر» همان کسانی هستند که وارث کتاب و حکمت اند و مورد حسادت قرار گرفته اند، چنان که خداوند در قرآن فرموده است: «آیا مردمان به خاطر آنچه خداوند از فضل خود به ایشان عطا کرده است، به آنان حسد می ورزند! با اینکه به آل ابراهیم ما کتاب و حکمت را عطا کرده ایم و نیز ملکی عظیم بخشیده ایم».

۱ - مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۴.

۲ - نساء / ۵۹.

سپس امام توضیح می‌دهد که «ملک عظیم» در این آیه به معنای فرمانروایی بر سرزمینها نیست، بلکه منظور فرمانروایی بر دلهاست که بر مردم واجب شده است از برگزیدگان الهی اطاعت کنند.

۳ - ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^۱

«بگو! من در برابر رسالتی که انجام داده‌ام، از شما مردم اجرو پاداشی نمی‌طلبم، مگر دوستی خویشاوندان و نزدیکانم را.»

امام رضا علیه السلام در توضیح این آیه و دلالت آن بر منزلت اهل بیت علیهم السلام فرموده است:

در قرآن نظیر این آیه درباره برخی انبیای دیگر مانند نوح علیه السلام، هود علیه السلام، صالح علیه السلام، لوط علیه السلام و شعیب علیه السلام نیز آمده است با این تفاوت که فقط این جمله آمده است که «پاداش انبیا با خداست» ولی مسأله «دوستی ذی‌القربی» در مورد آنان مطرح نشده است.

خداوند درباره نوح می‌فرماید که او به مخاطبان خود گفت:

﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۲

یعنی؛ «من هیچ گونه پاداشی از شما نمی‌طلبم، زیرا پاداش من فقط با پروردگار جهانیان است.»

قرآن درباره حضرت هود فرموده است:

﴿لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ الَّذِي

فَطَرَنِي﴾^۳

یعنی؛ «من از شما مردم به خاطر رسالتی که انجام داده‌ام، مزدی نمی‌طلبم، زیرا پاداش من بر هیچ کس نیست، جز آن کس که مرا آفریده و وجودم را سرشته است.»

اما قرآن تنها در باره رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، دوستی خویشان نزدیک اوست.

سپس امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«وَلَمْ يُفَرِّضِ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ إِلَّا وَقَدْ عَلِمَ أَنَّهُمْ لَا يَرْتَدُّونَ عَنِ الدِّينِ أَبَدًا وَلَا يَرْجِعُونَ إِلَىٰ ضَلَالَةٍ أَبَدًا»^۴

یعنی؛ خداوند دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به این سبب واجب کرده است که می‌دانسته است اهل بیت پیامبر اسلام، هرگز از دین الهی روی برنمی‌تابند و هرگز به جانب گمراهی و کج‌روی کشیده نمی‌شوند.

آن‌گاه امام رضا علیه السلام می‌فرماید: پس از نزول این آیه و قبل از اینکه آیه برای مردم خوانده شود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در میان پیروان خود به حمد و

۱ - شوری / ۲۳.

۲ - شعراء / ۱۰۹.

۳ - هود / ۵۱.

۴ - مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۷؛ تحف العقول، ص ۴۳۱.

ثنای الهی پرداخت و فرمود: ای مردم! خداوند تکلیفی را بر شما واجب کرده است، آیا این وظیفه را انجام خواهید داد؟

به این پرسش پیامبر ﷺ هیچ کس پاسخی نداد! زیرا گمان می‌کردند که این تکلیف به پرداخت وجه مادی مربوط است!

روز دوم و روز سوم نیز همین مسأله تکرار شد و مخاطبان پیامبر سکوت کردند تا اینکه رسول خدا ﷺ فرمود: این تکلیف مربوط به پرداخت طلا و نقره و خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها نیست!

مردم پرسیدند: اگر دربارهٔ این امور نیست، پس دربارهٔ چیست؟

در این هنگام رسول خدا، آیه‌ای را که بر او نازل شده بود برای مردم بازخواند و فرمود اجر رسالت من، دوستی اهل بیت من است.

مردم با شنیدن این آیه گفتند ما این فرمان الهی را می‌پذیریم و این واجب را به جای خواهیم آورد.

در ادامهٔ این حدیث، امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «اما بیشتر مردم به این تکلیف الهی عمل نکرده و به این پیمان وفا ننموده‌اند!»

وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام برای چیست؟

از دیدگاه شیعه امامیه، مطابق با تعالیم قرآنی

و نیز روایات رسیده از رسول خدا ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، هیچ حکمی از احکام الهی بدون دلیل و مصلحت نیست.

بنابر این اگر خداوند در قرآن از مؤمنان خواسته است تا «اهل بیت پیامبر اسلام علیهم السلام» را دوست بدارند، حتماً این بیان الهی، دارای دلیل و حکمت و مصلحت بوده است.

اگر سؤال شود که آیا ممکن است همان‌گونه که انسانها فرزندان و خویشاوندان خود را به دلیل نسبتهای خانوادگی بر دیگران ترجیح می‌دهند و گاه در این راه حقوق و فضایل دیگران را نادیده می‌گیرند؛ خداوند هم فقط به خاطر خویشاوندی «اهل بیت علیهم السلام» با پیامبرش، آنان را مورد توجه ویژه قرار داده و محبت ایشان را بر مردم واجب کرده باشد!

پاسخ این است که نسبت دادن چنین مطلبی به خداوند، دور از ساحت قدس الهی است؛ زیرا خداوند با هیچ انسانی خویشاوندی ندارد. همهٔ آدمیان، بندگان او هستند و لطف و رحمت او شامل همه انسانها بوده و خواهد بود و این انسانها هستند که در استفاده از رحمت الهی و عنایات او با یکدیگر تفاوت دارند. برخی شایستگی بیشتری از خود نشان می‌دهند و در میدان عبودیت بر دیگران سبقت می‌گیرند و برخی با سستی و کنندی به طرف رحمت الهی حرکت می‌کنند.

خداوند خود در قرآن فرموده است: ﴿إِنَّ
اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ﴾^۱.

یعنی؛ «همانا باکرامت‌ترین و با فضیلت‌ترین
شما انسانها نزد خداوند، آن کس است که با
تقواتر باشد [و بیش از دیگران خدا را در نظر
داشته و حقوق الهی را رعایت کرده باشد]».

دلیل اینکه خداوند نزدیکان و خاندان
پیامبر ﷺ را تا این اندازه مورد تکریم و
عنایت قرار داده، تا آنجا که محبت آنان را پاداش
رسالت رسول خاتم ﷺ تعیین کرده است؛ آن
است که اهل بیت پیامبر از همه انسانها و از همه
امت پیامبر با تقواتر بوده و در میدان بندگی و
عبادت و ادای حقوق و انجام وظایف الهی بر
همگان پیشی گرفته‌اند.

بهترین گواه بر اینکه در نظر خداوند، برتری
و فضیلت آدمیان بر یکدیگر، منوط به فضایل و
شرافتهای اخلاقی و دینی است و صرف
خویشاوندی و ارتباط نسبی، یک ارزش به
حساب نمی‌آید، این است که خداوند فرزند نوح
را با اینکه از نسل نوح بود، مورد عنایت قرار نداد
و زمانی که نوح به درگاه خداوند دعا کرد تا
فرزندش از غرق شدن و هلاک شدن نجات یابد
و گفت: ﴿رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ
الْحَقُّ﴾^۲. یعنی؛ پروردگارا! فرزند من از اهل من
به حساب می‌آید [و تو وعده داده‌ای که اهل مرا
نجات دهی] و البته وعده تو حق است». خداوند

در پاسخ او فرمود: ﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ
أَهْلِكَ﴾^۳.

یعنی؛ ای نوح [آن جوان کافر با اینکه فرزند
تنی تو به حساب می‌آید، اما] او از اهل تو نیست
[و وعده الهی شامل او نمی‌شود].

از مجموع این مطالب نتیجه می‌گیریم که اگر
خداوند بدون قید و شرط و بدون استثنا از
مؤمنان خواسته است تا «اهل بیت ﷺ» را
دوست بدارند، معنایش این است که خداوند هم
آنان را دوست دارد و آنان نزد خدا از کرامت
ویژه‌ای برخوردارند و دلیل کرامت و برتری آنان
در تقوا و خداشناسی و معنویت و شرافت علمی
و عملی آنان است و خداوند وقتی از مؤمنان
خواسته است تا اهل بیت را دوست بدارند،
معنایش این است که مقام و منزلت و عصمت
آنان را تأیید و امضا کرده است.

محبت، هموارترین راه درس‌آموزی

خداوند متعال برای هدایت انسانها، ابزار و
امکانات معرفتی و فطری و راههای مختلفی را
در اختیار آنان قرار داده است. پیامبران را مبعوث
و کتاب آسمانی را بر آنان نازل کرده تا شریعت و
معرفت را به انسانها آموزش دهند. یکی از

۱- حجرات / ۱۳.

۲- هود / ۴۵.

۳- هود / ۴۶.

هموارترین راهها برای درس‌آموزی از مکتب اولیای الهی، راه محبت و دوستی است.

اطاعت از قانون و پیروی از صالحان به دو صورت امکان‌پذیر است:

۱- اطاعت از روی اجبار و پیروی ناخواسته و بدون رغبت.

۲- اطاعت از روی انتخاب و پیروی با میل و اشتیاق.

مادر برای فرزندش وظایف مادری را انجام می‌دهد، اما این وظایف که مشکلات فراوان نیز دارد، با عشق و محبت آمیخته است و مادر از انجام وظایف مادری لذت می‌برد، زیرا فرزندش را دوست دارد.

بنابر این اگر انجام وظایف و پیروی از الگوهای دینی و الهی، همراه با محبت و مودت نسبت به آنان باشد، درس‌آموزی و پیروی از آنان نه تنها سخت و دشوار نمی‌نماید، بلکه لذت‌بخش و بهجت‌آفرین نیز هست.

خداوند در قرآن، رابطه محبت و اطاعت را چنین بیان فرموده است:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾^۱

یعنی؛ «ای پیامبر بگو: اگر شما خدا را دوست دارید از من که پیامبر او هستم پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته باشد.»

از این آیه استفاده می‌شود که در فرهنگ

قرآنی اطاعت و پیروی از صالحان و مردان الهی، با دو محبت همراه است. یک محبت به عنوان مقدمه و انگیزه و یک محبت به عنوان دستاورد و نتیجه.

پس می‌توان نتیجه گرفت که اگر خداوند محبت و مودت اهل‌بیت پیامبر ﷺ را بر مؤمنان واجب ساخته، به خاطر آن بوده است تا مردم با محبت و دوستی، راه اطاعت از معلم الهی را بیمایند و معرفت خدا و اطاعت از دستورات دین را با زمزمه محبت فراگیرند و این به سود خود مردم است، چنان که قرآن به صراحت این نکته را بیان داشته است:

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾^۲

یعنی؛ «ای پیامبر! به مؤمنان بگو اگر از شما در برابر انجام وظیفه رسالت پاداشی خواستم، به خاطر منافع و نتایج ارزشمندی است که برای خود شما دارد و گرنه پاداش [حقیقی] من بر خداوند است.

به‌راستی اگر کسی جویای حق باشد، درمی‌یابد که تا چه اندازه معارف امامیه، به روشنی و آسانی از قرآن فهمیده می‌شود؛ زیرا پیامبر در سراسر قرآن - به فرمان الهی - فقط یک پاداش از امت خود درخواست کرده و آن هم

۱- آل عمران / ۳۱

۲- سبأ / ۴۷

«محبّت اهل بیت (علیهم السلام)» بوده است و سپس درباره همان یک درخواست هم می‌فرماید، هدف و منظور، سودرسانی به امت بوده است. و این سود در فرهنگ قرآنی و نبوی عبارت است از هدایت‌یابی اهل‌ایمان به معرفت صحیح و اخلاق و معنویت و پاکی در گفتار و رفتار و اندیشه.

نتیجه

۱ - محبّت و ارادت مسلمانان به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ریشه در متن آیات قرآن و فرمایشات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد.

۲ - اظهار دوستی نسبت به اولیای الهی و انبیا و امامان (علیهم السلام) هر چند خود مورد خواست و فرمان الهی است، اما از آنجا که فرمانهای الهی و امر و نهی او دارای حکمتها و مصلحتهای مختلفی برای تکامل بشر می‌باشد؛ می‌توان از فرهنگ قرآنی و نبوی استفاده کرد که یکی از نتایج مهم این دوستی، دریافت معارف صحیح درباره توحید، وحی، رسالت، قرآن، وظایف انسان، مسأله معاد و... از مکتب درسی و سیره و سنت آنان است.

۳ - اساس توجّه مسلمانان به اهل‌بیت (علیهم السلام) رهنمود خود قرآن و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌باشد، از این رو ابراز دوستی و محبّت به خاندان نبوت، هرگز به معنای شرک و کم‌توجهی به ساحت

قدس الهی نیست. همچنان که اطاعت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و «اولی الامر» به معنای شرک در اطاعت از خداوند نیست، زیرا خداوند خود دستور داده است:

﴿اطيعوا الله و اطيعوا الرّسول و اولی الامر منکم﴾.

یعنی؛ اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید از رسول خدا و اولی الامر از میان خودتان.

لازم به یادآوری است که براساس دلیل معتبر عقلی و نقلی، تعبیر «اولی الامر» شامل فرمانروایان ناصالح و غیردینی و آلوده به گناه نمی‌شود، بلکه فقط فرمانروایان صالح، دین‌شناس و باتقوا را در بر می‌گیرد. کسانی که جز براساس دین الهی حکم نمی‌کنند و آنان امامان معصوم از اهل‌بیت رسول (صلی الله علیه و آله) می‌باشند. و پس از آنان، کسانی که تأییدهای لازم را از نظر دینی دارا باشند.

۴ - دوستی و محبّت اهل‌بیت (علیهم السلام) زمانی در وجود یک مسلمان ریشه دارد و مودّتی راستین به حساب می‌آید که او به لوازم و شرایط دوستی پایبند باشد. و با رفتار و اعمال خود خشنودی خداوند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان را جلب نماید. در انجام واجبات دینی و تکالیف الهی کوشش و در ترک گناهان همّت نماید و همواره آرزو داشته باشد که معارف قرآنی و مکارم اخلاقی اهل‌بیت (علیهم السلام) در جامعه بشری

منابع و مأخذ

- ۱- الاصول من الكافي، كليني، محمد، تصحيح و تعليق على اكبر الغفاري، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۸۸ هـ.
- ۲- امالي، صدوق، محمد، ترجمه كمراهي، تهران، اسلاميه، ۱۴۰۴ هـ.
- ۳- تحف العقول عن آل الرسول، حراني، حسن، تصحيح على اكبر الغفاري، قم، نشر اسلامي، ۱۴۰۴ هـ.
- ۴- التطبيق بين السفينة والبحار، مصطفوي، جواد، مشهد، آستان قدس، ۱۴۰۳ هـ.
- ۵- عيون اخبارالرضا، صدوق، محمد، تصحيح مهدي لاجوردي، قم، طوس، ۱۳۶۳ ش.
- ۶- كمال الدين و تمام النعمة، صدوق، محمد، تصحيح و تعليق على اكبر الغفاري، قم، مدرسين، ۱۴۰۵ هـ.
- ۷- مسند الامام الرضا عليه السلام، عطاردی، عزيزالله، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۹۲ هـ.
- ۸- معاني الاخبار، صدوق، محمد، تصحيح على اكبر الغفاري، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۷۹ هـ.

①

گسترش یافته و حاکمیت یابد و حکومت مادی و معنوی از آن خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله شود.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْعُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِهِ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

خداوندا! از درگاه تو آرزومندیم تا شاهد دولت باکرامت حضرت مهدی عجل الله فرجه باشیم. دولتی که در پرتو آن، اسلام و مسلمانان عزت و منافقان ذلت یابند.

خداوندا! از تو می‌خواهیم که ما را در آن دولت کریم و حکومت جهانی در زمره کسانی قرار دهی که مردم را به طاعت و بندگی تو فرا می‌خوانند و به راه تو هدایت می‌کنند.

خداوندا! در پرتو آن حکومت با عزت دینی، کرامت دو جهان را به ما عنایت کن.

الامام كالمشمس الطالعة المجللة بنورها للعالم

الامام الرضا عليه السلام، كافي ۲۰۰/۱

امام چونان خورشید نورافشانی است که با نور خود روشنگر جهان است